بزرگداشت مصدق: به یاد آن بزرگ مرد

مصدق، حمید

امیر کبیر و مصدق

سید مهدی بهبهانی‏نیا

1-زن اولش دختر عمویش حاج شهبازخان‏ (جاجان خانم)بود و از وی سه فرزند داشت.میرزا احمد خان ساعدالملک و دو دختر.

2-زن دوم امیر،خانم عزةالدوله خواهر ناصرالدین شاه،دختر محمد شاه قاجار و مهد علیا بود که امیر از او هم دو دختر به نام‏های ام‏الخاقان(مادر محمدعلی شاه)و همدم‏السلطنه(مادر جلال میرزا) داشت که به ترتیب حباله‏ی نکاح مظفرالدین شاه و ظل‏السلطان درآمدند.

اما ساعدالملک بعد شز امیر کبیر در آذربایجان‏ (تبریز)زندگی می‏کرد و عیال او منورالسلطنه دختر فیروزمیرزا بود(لازم به توضیح است که فیروزمیرزا، پسر عباس میرزا می‏باشد که منورالسلطنه از عیال‏ اولش بود،لذا نباید با نصرت‏الدوله فیروز فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما و پدر مظفر فیروز اشتباه‏ گردد)

فیروزمیرزا بعد از فوت عیال خود از زن دوم، دو فرزند داشت:عبدالحسین میرزا فرمانفرما و نجم‏السلطنه مادر دکتر مصدق بنابراین منورالسلطنه‏ خاله دکتر مصدق عیال ساعدالملک فرزند امیرکبیر بوده و به این ترتیب نسبت سببی فیمابین امیرکبیر و دکتر مصدق ایجاد گردیده است.

بزرگداشت مصدق‏ به یاد آن بزرگ مرد

حمید مصدق

سخن بی‏پرده باید گفت:

وقت رازپوشی نیست

اگر دشمن ز بیم نام تو بر خویش می‏لرزید

و می‏کوشید تا گرد فراموشی

بپاشد روی نام تو،

دلم می‏گیرد از این هم‏نبردان و

ز همراهان

که از خاطر تو را بردند،

ندانم من

ز روی سهو

یا از عمد

تو را و رادمردی تو را بردند از خاطر

تو را،شیر بزرگ شرق!

تو را ای مظهر آزادگی،حتا

به نامی یاد ننمودند

و قلب عاشقانت را

به یادی شاد ننمودند

اگر او را همان طاغوت

به زندان برد

ابر مرد وطن گر عاقبت در بند زندان مرد

چرا با سوره‏ی الحمد

روانش را به جنت شاد ننمودند

و نامش را

پس آزاد ننمودند

دریغی نیست

تو یادت هم چو خورشید فروزان

جاودان ماند

و نامت را

هزاران سال دیگر نیز

هر آزاده‏یی با شوق

می‏خواند

و می‏داند

که در روز مصبیت

هم چو کوهی استوار

از پانیفتادی

و در سیل حوادث

سرگران چو کوه استادی

دلی آزرده دارم من

و اینک سر

ز حسرت در گریبان برده دارم من

ولی اندوه من دیری نمی‏پاید

و ای محبوب من

آن روز می‏آید

که این مردم

بدان سانی که تو می‏خواستی

دل شاد می‏گردند

و از هر بند

به هر نامی که باشد

عاقبت آزاد می‏گردند

نمی‏دانی که بعد از تو چه بر ما رفت

و چه گل‏های سرخی

بهتر از صد گل

هزاران گل

به روز تیرباران‏ها

به روی خاک افتادند

چه تختی‏ها

پس از آن‏گونه سختی‏ها

به مردی جان سپردند به پیش خصم

تو بودی اوستاد مردی و رادی

تو درس رادمردی را

را به مردان یاد می‏دادی

و ما پویندگان راه تو

تا روز پیروزی‏ و بهروزی

به جان راه تو را پیوسته می‏پوییم

و می‏گوییم

گرامی باد نام تو

تو نامی باد

نام تو

14/12/1357